

تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در طول مرزها راهبرد اولیه مدیریت مرزهای ایران

محسن جانپرور^۱، محمد قصری^۲

از صفحه ۵۵ تا ۸۶

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۵

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۳

چکیده

روند جهانی شدن زمینه توسعه روابط بین کشورها و نفوذپذیری مرزهای سیاسی را افزایش داده است. این امر به صورتهای مختلف بر مرزهای سیاسی بین کشورها و مناطق مرزی تأثیرگذاشته و زمینه توسعه مبادلات تجاری بین کشورها و سایر بازیگران چه در قالب مبادلات قانونی و چه در قالب مبادلات غیرقانونی نظیر قاچاق کالا را فراهم آورده است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران با توجه به دارابودن مرزهای طولانی از پدیده قاچاق کالا به صورت‌های مختلف دچار چالش و نامنیهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... شده است. براین اساس، شناسایی و تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا یکی از گامهای اولیه مدیریت و کنترل مرزهای ایران میباشد که مقاله حاضر بنادرد با روشی توصیفی- تحلیلی به این پرسش پاسخدهد که چه عواملی بر قاچاق کالا در مرزهای ایران مؤثر میباشند؟ منابع مورداستفاده برای گردآوری داده‌ها بهمنظور پاسخدهی به این پرسش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی(پرسشنامه‌ای) صورت‌گرفته است و برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای از نرمافزار SPSS و آزمون T-test استفاده شده است. نتایج حاصل از این بررسی حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در طول مرزهای ایران شامل عوامل جغرافیایی(طول مرزها، جغرافیای طبیعی مرزها و...)، عوامل اقتصادی(نابرابریهای فضایی، بیکاری و...)، عوامل اجتماعی و فرهنگی(فرهنگ عمومی، افزایش فرهنگ مصرفگرایی و...)، عوامل سیاسی(تعداد همسایگان، میزان اعمال حاکمیت کشور همسایه در قلمرو خود و...) است. شناخت این عوامل مؤثر بر قاچاق کالا گام اولیه حرکت برای مدیریت و کنترل مرزهای ایران است.

کلید واژه‌ها: مرز، مرزهای ایران، قاچاق، قاچاق کالا، راهبرد.

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول). janparvarm@yahoo.com

۲- دانشیار پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی.

مقدمه

با پیشرفت‌ها و تحولات صورت‌گرفته در عرصه بین‌المللی باید به فرایند جهانی‌شدن و تأثیر آن بر اقتصادهای ملی در سطح جهان اشاره کرد. جهانی‌شدن باعث نزدیکی بیشتر بازارهای بین‌المللی شده و کالاهای مختلف را در نواحی گوناگون جهان در دسترس مردم قرارداده است. در این بین اگرچه برخی کشورها به بازار آزاد و یا تجارت آزاد نپیوسته‌اند اما درنهایت حجم تولیدات، تقاضا برای مصرف در داخل کشورها و تمایل به واردکردن آنها از سوی افراد باعث شکل‌گیری قاچاق شده و کالاهای تولید خارج را به این شکل وارد کشورهای دیگر می‌نماید. هرچند پدیده قاچاق کالا کم‌وبیش تمام کشورهای دنیا را درگیر کرده است ولی وسعت و عمق آن در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است به طوری که در برخی از کشورهای در حال توسعه قاچاق کالا بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را دربرمی‌گیرد. براین‌اساس، اقتصادهایی که با فراوانی بالا و تعدد قاچاق روبرو هستند با یک بیماری و ناکارآمدی در کنترل مناسبات تولیدی و توزیعی خود مواجه‌می‌باشند.

قاچاق کالا به نظام اطلاعات اقتصادی کشورها نیز آسیب‌می‌رساند و امکان برنامه‌ریزی برای رشد بلندمدت را ازبین می‌برد. از سوی دیگر، باعث کاهش درآمدهای دولت و بههم‌خوردن تعادل میان بخش‌های تولیدی، بازارگانی و عرضه کالا می‌شود. به عبارت دیگر، درک فرآیند توسعه اقتصادی یک کشور و برنامه‌ریزی بهمنظور ارتقای سطح توسعه‌یافته‌ی آن منوط به شناخت عملکرد عمومی اقتصاد است. کیفیت چنین شناختی وابستگی تمام و کمال به وضعیت نظام اطلاعات اقتصادی و کارآمدی آن دارد. علاوه بر بخش اقتصاد رسمی کشور، بخشی از عملکرد عمومی اقتصاد کشور به عمد از دید مأموران و واحدهای جمع‌آوری آمار و اطلاعات پنهان‌نگه‌داشته‌می‌شود. اصطلاحاً این بخش از عملکرد عمومی اقتصاد یک کشور را «اقتصاد سیاه»^۱ می‌نامند. هرچه وجود این فعالیتها در یک کشور گسترده‌تر باشد شناخت، سیاست‌گذاری صحیح و نظارت بر اجرای سیاست‌ها را دشوار تر ساخته و عامل اخلال در روند اقتصادی جامعه‌بوده و با ظهور آن ضمن بهم‌ریختگی اقتصادی، ناهنجاری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

۱ - Black Economy.

به وجودمی‌آید. گسترش پدیده قاچاق کالا نتیجه عوامل و مولفه‌های متعددی است (ابراهیم‌زاده‌asmین و عباسیان، ۱۳۹۰: ۱۱۳). در این بین کشور جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و روند جهانی شدن و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در قرن جدید زمینه را برای مبادلات کالا، ترددات فرامرزی و ... برای شهروندان آن بهویژه شهروندان ساکن در مناطق مرزی فراهم‌آورده است و سبب توسعه مبادلات فرامرزی، وابستگی به بازار جهانی، گسترش روابط با کشورهای دیگر و غیره شده است. در کنار این روابط، ترددات و مبادلات قانونمند با آن سوی مرزها زمینه‌های قاچاق کالا نیز در نواحی و مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه توسعه قابل توجهی پیدا کرده است. این روند روبروی توسعه قرن حاضر در کنار مرزهای گسترده جغرافیایی، تعدد همسایگان، فقدان حاکمیت قوی کشورهای همسایه ایران بر سرزمین خود، محدودیت‌های قانونی برای ورود و خروج کالا، فقر و توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی ایران، درصد بیکاری بالا در مناطق مرزی ایران و ... به صورت‌های مختلف زمینه شکل‌گیری و توسعه قاچاق کالا در طول مرزهای ایران را فراهم‌آورده است. متأسفانه، امروزه مستله قاچاق کالا در کشور درحدی است که علاوه بر آثار سوء‌اقتصادی به عنوان یک چالش اقتصادی و اجتماعی در حوزه‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی تبدیل شده است به طوری که رواج قاچاق و تأثیر سوء آن به عنوان یک عامل بازدارنده توسعه موجب اختلال در اعمال و اجرای برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولتی شده و در نهایت، باعث کاهش رشد و رکود اقتصادی کشور بهویژه در مناطق مرزی و حاشیه‌ای کشور شده است. مقاله حاضر دارای دو پرسش اصلی می‌باشد که عبارتنداز این که چه عواملی بر قاچاق کالا در مرزهای ایران مؤثر می‌باشد؟ تا از این طریق بتوان مرزهای کشور را مدیریت کرد.

ادبیات پژوهش

مرز

مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملت‌پایه را مشخص می‌کنند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۶۹). به بیان دیگر، مرز

خطی است فرضی در فضا که جداکننده دو ملت، دو کشور و دو نظام حکومتی است. مرز در انتهای قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد (مجتبه‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

مدیریت مرز

مدیریت مرز مکانیسمی برای اطمینان از امنیت مرزهای ملی و تنظیم ورود و خروج‌های قانونی برای فراهم‌کردن نیازهای متنوع ملت به‌وسیله ارتباطات فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی می‌باشد که از طریق مرزها ایجاد می‌گردد. به عبارت دیگر، اصطلاح مدیریت مرز یک واژه گسترده‌تری است که امور مدیریتی مرزها را مشخص می‌کند که شامل تضمین جایگاه‌ها می‌باشد. مهم‌ترین بازیگران مدیریت مرز مردم ساکن در مناطق مرزی می‌باشند. این ساکنان از مدیریت مناسب مرزی سودمی‌برند. در همان زمان، برای هر سازمانی به صورت بالقوه غیرممکن است که در گیر مدیریت مرز بدون توجه به ساکنان مرزی باشد.

امروزه، مدیریت مرز اهمیتی ویژه به دست آورده است. فرایند جهانی‌شدن فرصت‌ها و چالش‌های جهانی در کنار یکدیگر ایجاد می‌کند. برای سازگاری باید با روش مناسب به سوی مرزها برای فعالیت‌های جهانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مفید و مهم در راهی گام برداشت که بتوان تهدیدهای مختلف مطرح شده را شناخت و تمامیت ملت را در راه دیگر حفظ کرد. این امر نیازمند گونه‌های خاصی از مکانیسم‌ها برای تنظیم مرز است و این هدفی است که در پشت ایده‌کلی مدیریت مرز قرار می‌گیرد (والکر، ۲۰۱۱). در این راستا، مدیریت مرز اغلب به روش‌ها و فناوری‌هایی اشاره می‌کند که به افاده، دولتها و حکومتها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، جلوگیری از ناامنی‌های فضای جهانی بر فضای ملی و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند. این امر شامل آژانس‌های مختلف سازمان‌یافته و سایر زیرساخت‌های فیزیکی، تسهیلات و ترتیبات امنیتی طراحی شده و مدیریت شده نیز می‌شود. مدیریت مرز بیش از کنترل مرزی که گمان می‌شود مسئولیت رسیدگی به عبور و مرور افراد، کالاهای منابع مرزی و ... است با امنیت ملی کشور ارتباط دارد. در راستای ارایه فرایند مدیریت مرزی، مدیریت بهینه و مؤثر مرزی به طور خودکار به نفع کشور و همچنین به نفع امنیت جهانی می‌باشد (کا. جی. اج بوردر سرویس، ۲۰۱۲).

قاچاق کالا

دهخدا در لغتنامه خود واژه قاچاق را مأخذ از زبان ترکی دانسته و آن را به معنی آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است تعریف نموده است. براساس این تعریف کالای قاچاق کالای ممنوع الورود و ممنوع المعامله بوده و قاچاقچی کسی است که مال التجاره ممنوع الورود یا ممنوع المعامله را بدون کسب اجازه دولت و یا پرداختن گمرک وارد کند و یا بفروشد (دهخدا، ۱۳۳۹: ۳۷۸). معین نیز در لغتنامه خود قاچاق را کاری می‌داند که برخلاف قانون به صورت پنهانی انجام می‌شود. در این تعریف متعاق قاچاق متعاق است که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع است (معین، ۱۳۸۳: ۵۸۳). قاچاق دارای انواع مختلفی است که قاچاق کالا در این بین یکی از آنها می‌باشد. سازمان جهانی گمرک تعریف زیر را از قاچاق کالا وضع کرده و اعضای آن سازمان از جمله جمهوری اسلامی ایران آن را پذیرفته‌اند:

«قاچاق تخلف گمرکی است شامل جابه‌جایی کالا در طول یک مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی» (احمدی، ۱۳۸۲: ۳۱).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای، پرسشنامه‌ای، اسنادی و اینترنتی استفاده شده است. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا به عنوان گام اولیه برای مدیریت بهتر مرزهای ایران است. نمونه آماری پژوهش حاضر شامل نخبگان دانشگاهی از رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی است که به نوعی در زمینه مرزها، قاچاق و مناطق مرزی مطالعه داشته‌اند. در این راستا، برای تعیین حجم نمونه از فرمول تعیین حجم نمونه جامعه محدود با سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده کردیم و بر اساس آن باید ۳۵ پرسشنامه توزیع می‌شد که برای بهتر شدن نتیجه در جمع‌آوری اطلاعات بیش از ۷۰ پرسشنامه در بین جامعه آماری توزیع شد. پرسشنامه‌هایی که به صورت کامل پاسخ داده شده و جمع‌آوری گردید ۵۴ عدد بود که به عنوان یافته‌های پژوهش مورد ارزیابی و تحلیل

قرار گرفت. بر این اساس، آزمون کرونباخ برای پایایی پرسشنامه‌ای محاسبه شد و نتیجه زیر به دست آمد:

Reliability Case Processing Summary		
	N	%
Cases	Valid	42
	Excluded ^a	12
	Total	54
		100.0

a. Listwise deletion based on all variables in the procedure.

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.893	19

همان‌طور که آزمون کرونباخ در بالا نشان می‌دهد آلفای کرونباخ پرسشنامه برابر با ۰.۸۹۳ می‌باشد که به عدد ۱ خیلی نزدیک است. بر این اساس، می‌توان گفت پرسشنامه مذکور از پایایی لازم برخوردار می‌باشد. داده‌ها نیز به وسیله نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون T-test تجزیه و تحلیل شده‌است.

یافته‌های پژوهش

عوامل جغرافیایی

جغرافیای طبیعی منطقه مرزی

جغرافیای طبیعی منطقه مرزی از جمله ناهمواری‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها، رودها و... در طول خط مرزها امکان ترددات غیرمجاز، قاچاق کالا و... را از طریق سخت‌تر کردن نظارت و کنترل مرزها افزایش می‌دهد. در این راستا، با شناخت ویژگی‌های زمین‌شناختی می‌توان ضمن کنترل ترددات غیرمجاز و قاچاق کالا به دو صورت از آنها استفاده کرد:

(الف) استفاده از ویژگی‌های زمین‌شناختی در استقرار هرچه بهتر و مؤثرتر نیروها و تجهیزات و پایگاه‌ها برای کنترل مرزها: استفاده از این ویژگی‌ها از اصلی‌ترین عناصر در کنترل مرزها می‌باشد. شناخت این ویژگی‌ها همراه با سایر ویژگی‌های طبیعی هرگونه

آسیب‌پذیری را به حداقل رسانده و امکان کنترل مرزها با حداقل نفرات و تجهیزات به بهترین نحو را فراهم می‌آورد بهویژه در مناطق کوهستانی شرق و غرب کشور این مسئله حائز اهمیت است زیرا در این مناطق (کوهستانی) شناخت و کنترل عوارض در حکم در اختیار داشتن منطقه وسیع می‌باشد.

ب) استفاده از ویژگی‌های زمین‌شناختی برای تغییر مصنوعی در مناطق مرزی و همچنین آمایش یا آماده‌کردن محل ایجاد و استقرار پایگاه‌ها و نیروها، تجهیزات و سیستم‌های هشداردهنده می‌تواند در کنترل مرزها نقش بهسازی داشته باشد (فرهنگ‌آذر، ۱۳۸۶: ۲۴۱).

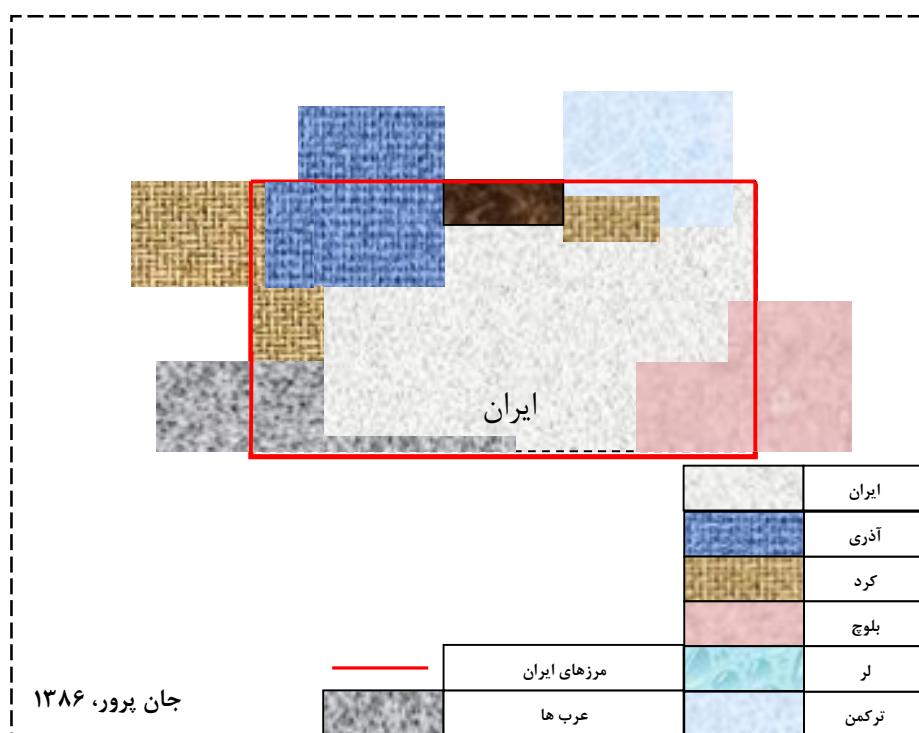
طول مرزها

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که دارای مرزهای طولانی با همسایگان خود می‌باشد. طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است. این گستردگی مرزها ضمن بالابردن هزینه‌ها و نیروهای لازم برای کنترل مرزها به صورت‌های مختلف توانایی‌های دولت و نیروهای انتظامی را برای کنترل و مدیریت دقیق مرزها و جلوگیری از ترددات غیرمجاز مرزی، قاچاق کالا و... کمرنگ‌می‌کند و زمینه شکل‌گیری قاچاق کالا و ترددات غیرمجاز مرزی را در طول مرزهای کشور فراهم می‌آورد.

الگوی ترکیبی ملت ایران از منظر جغرافیایی

ساختمار فضایی-جغرافیایی ملت ایران از دو بخش بهم‌پیوسته مرکزی و پیرامونی پدید آمده است. بخش پیرامونی برخلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی دچار گسیختگی است و مجموعه‌ای متنوع از گروه‌های فرهنگی و قومی را دربرمی‌گیرد. در این بین، تداخل و درهم‌آمیختگی قومی، زبانی و مذهبی حاشیه فضاهای سرزمینی ایران و فضاهای سرزمینی قومی-مذهبی کشورهای هم‌جوار زمینه‌ساز آغاز و گسترش بحران‌های موقت یا دوره‌ای منطقه‌ای و حتی سراسری در ایران بوده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱۳). این امر سبب شده است که پدیده قاچاق کالا بین این گروه‌های قومی دو سوی مرز، که از نظر اجتماعی خود را یک گروه به حساب می‌آورند، شکل بگیرد. همچنین، سبب شکل‌گیری نوعی همکاری متقابل بین دو گروه قومی در دو سوی مرز برای پایین‌آوردن نظارت‌های قانونی، ریسک‌های بهدام‌افتادن افراد و همچنین حمایت از

این ترددات غیرمجاز از طریق پناه‌دادن، حمایت‌کردن و... می‌شوند. بر این اساس، وجود این الگوی فضایی قومیت‌ها در کشور که اکثراً دارای دنباله‌هایی در موارد مرزهای سیاسی کشور می‌باشند زمینه شکل‌گیری و توسعه قاچاق کالا را فراهم آورده است. در نمودار زیر پراکندگی جغرافیایی گروه‌های قومی ایران نشان‌داده شده است که دارای دنباله‌هایی در آن سوی مرزها در قالب کشورهای مستقل یا گروه‌های قومی نیمه مستقل و وابسته می‌باشند. (شکل ۱)



شکل (۱): پراکندگی جغرافیایی قومیت‌ها در ایران

موقعیت محوری و ترانزیتی ایران

از گذشته‌های بسیار دور تاکنون به‌سبب موقعیت خاص جغرافیایی ایران که در مسیر عبور کاروان‌های تجاری بین‌المللی قرار داشته و همواره از نظر بازرگانی به عنوان پل ارتباطی جهان شرق و غرب مطرح بوده است و با توجه به شرایط ویژه‌اش از نظر امکانات

مواد اولیه، نیروی انسانی، تمدن، فرهنگ غنی و... حائزahمیت بوده و پیوسته به عنوان یک بازار مبادله و سرمایه‌گذاری مورد توجه بازارگانان و حتی حکومت‌ها و قدرت‌های سیاسی و صنعتی جهان قرار داشته است (عبدالمحمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۰). این موقعیت خاص جغرافیایی سبب شده است که افراد و گروه‌ها در داخل و خارج از مرزهای کشور برای استفاده و بهره‌برداری از آن در راستای دستیابی به اهداف تجاری و اقتصادی خود چه به صورت قانونی و چه به صورت غیرقانونی تلاش کنند که این امر به نوبه خود بر شکل‌گیری و توسعه پدیده قاچاق کالا در طول مرزهای ایران تأثیرگذاشته است.

عوامل اقتصادی

نابرابری‌های فضایی

طبق نظریه مرکز-پیرامون بهدلیل دوری نقاط مرزی از مرکز کشور، که مرکز توزیع است، چنان‌چه کالایی از مرکز به حاشیه بر سرده قیمت آن افزایش می‌یابد. علاوه بر این، پایین‌بودن قدرت خرید مرزنشینان و جاذبه‌ها و تبع طرف دیگر مرز همواره آنها را تشویق به طرف مقابل می‌نماید (فیروزجائی، ۱۳۸۴: ۴۹). این نابرابری فضایی نقشی کارساز در افزایش مهاجرت‌های افسارگسیخته بازی می‌کند و از این راه توزیع بهینه جمعیت در فضا را ناممکن می‌سازد. فشرده سخن این که نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. گذشته از آن، نابرابری‌های فضایی می‌توانند به بنیان یکپارچگی ملی آسیب‌رسانده و جلوی پیشرفت عمومی اقتصاد را بگیرند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲۰). همچنین، نابرابری‌های فضایی به ویژه بین مناطق مرکزی و پیرامونی می‌توانند شکاف‌های سیاسی را عمیق‌نمایند و نارضایتی ناحیه‌ای را تغذیه کرده و به لطمه‌دیدن انسجام و یکپارچگی ملی نیز، که از نابرابری‌های فضایی مایه‌می‌گیرد، کمک کند (درایسلد و بلیک، ۱۳۷۴: ۲۳۰). با توجه به این که کالبد طبیعی سرزمین ایران با ارایه توانایی‌های بالقوه موضعی حاوی اختلافات بسیار عمیق در زمینه بازدهی محیط است این اختلافات و ناهمگونی در سطوح محیطی خود موجب گسیختگی عمیقی در زمینه توزیع فضایی جمعیت و فعالیت شده و فضاهای خالی و پرترکمی را ایجاد می‌کند به ویژه این که بخش وسیعی از سرزمین ایران در مناطقی قرار دارد که با توجه به خست و خشونت طبیعت بازده آنی و صرفه اقتصادی را

برآورده‌نمی‌کند(سرور، ۱۳۸۴: ۶). علاوه بر آن، تمرکزگرایی در سیاست‌های رشد و توسعه اقتصادی نابرابری‌های منطقه‌ای را در کشور به دنبال داشته است که از دید نظری این نابرابری باعث بهره‌گیری نامتناسب از فضا، جایه‌جایی نیروی انسانی و سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف میان مناطق برخوردار و محروم شده است(یاسوری، ۱۳۸۴: ۱۳۸) و سبب توسعه گرایش افراد به سوی قاچاق کالا در طول مرزها گردیده است.

فقر و تنگدستی

از سوی صاحب‌نظران مختلف دلیل و انگیزه اصلی مرزنشینانی که به امر قاچاق کالا مبادرت می‌ورزند اقتصادی است. وضعیت بد اقتصادی و ناتوانی در تأمین مایحتاج زندگی خود از راه‌های قانونی باعث‌می‌شود که مردم این مناطق، که عموماً نیز به خاطر کمبود اشتغال در این مناطق بیکاری باشند، بازیچه سرمایه‌داران بزرگ قرار گرفته و اقدام به واردات کالا از طرق ترددات غیرقانونی کنند و در مقابل آن دستمزد بسیاراندکی را دریافت نمایند. این مرزنشینان معمولاً به خاطر شناخت کافی از منطقه مرزی و وضعیت طبیعی آن دور از دسترس مأموران انتظامی دست به این کار می‌زنند(بشيری، ۱۳۷۷: ۱۹۹). در این زمینه می‌توان به بدوکی‌ها در استان سیستان و بلوچستان اشاره کرد که از روی ناچاری و نیاز اقتصادی اقدام به ترددات غیرمجاز و قاچاق کالا در طول مرزهای جمهوری اسلامی ایران می‌کنند. این عده محروم‌ترین، فقیرترین و کمدرآمدترین افراد و به عبارتی استشمارشوندگان در سیستم قاچاق کالا محسوب می‌شوند. بدوکی وظیفه حمل کالاهای قاچاق متعلق به سرمایه‌داران بزرگ را بر عهده دارد یعنی عبوردادن کالا از نقاط صعب‌العبور نظیر نواحی کوهستانی و نیز از محل‌هایی که امکان عبور وانت قاچاق به علت کمین یا تأمین نیروهای انتظامی و نظامی مشکل است و سرانجام، رساندن کالاهای به شهر. برای مثال، در یکی از مسیرهای ورود کالا یعنی مسیر هشتاد کیلومتری میرجاوه به شهر زاهدان حمل کالا از بازارچه‌های آن‌سوی مرز تا منطقه‌ای معروف به تفتان در داخل خاک ایران، که با توجه به شرایط زمانی و مکانی از چند صدمتر تا چندین کیلومتر طول دارد، دور زدن پاسگاه‌های بین راه و محل‌ها و نواحی کوهستانی که امکان کمین نیروهای انتظامی در آنها وجود دارد و رساندن کالا از طریق کوچه‌های فرعی بازار رسولی(محل اصلی عرضه کالاهای قاچاق) به مغازه‌ها و انبارهای این محل یا مکان‌های دیگر از مسئولیت‌های اصلی این افراد است. بدوکی یک کلمه بلوجی بوده و به کسی

اطلاق می‌شود که باری را بر دوش حمل می‌نماید. اکثر بدوکی‌ها از طوایف بلوج، ریگی، گمشادزه‌ی، شهبحش، کردوگرگیج و ۲۰درصد نیز فارسی‌زبان می‌باشند که در مرز مستقر شده و برای خود موقعیتی کسب نموده‌اند. همچنین، درصدی از بدوکی‌ها پاکستانی، افغانی و زابلی می‌باشند. از نظر مذهب بدوکی‌ها سنی‌مذهب بوده و فارسی‌زبان‌های آنها شیعه می‌باشند. شایان ذکر است افراد پاکستانی و افغانی نیز از اهل سنت می‌باشند. بدوکی‌ها دارای آداب و سنت خاصی نبوده و بیشتر تابع آداب قبیله، ایل و طایفه می‌باشند. افراد طایفه دارای همبستگی فراوانی بوده و از ریشم‌سفیدان طایفه تبعیت می‌نمایند. فرهنگ بدوکی آمیخته‌ای از فرهنگ کشور همسایه بوده و با آنان ازدواج‌های فامیلی صورت می‌دهند و زندگی دوگانه‌ای دارند. شایان ذکر است که بدون درنظر گرفتن قوم و قبیله نمی‌توان فرهنگی را تعریف نمود. بیش از ۸۵درصد این افراد برای گذران زندگی اجیر شده و از طریق سرمایه‌داران اقدام به ترددات غیرمجاز و قاچاق کالا در طول مرز می‌کنند (کلهر و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۷۸).

بیکاری

یکی از عوامل مهم و شاید مهم‌ترین عامل ترددات غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا بیکاری است. همان‌طور که بیان شد مناطق مرزی به دلیل فقدان توسعه و ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی دارای اشتغال‌زاویه همچون کارخانه‌ها، صنایع نساجی و ... نمی‌باشند. این امر در کنار وجود جمعیت جوان بالا سبب افزایش نرخ بیکاری در این مناطق شده است. نرخ بیکاری بالا در این مناطق و فشارهای اقتصادی بر افراد سبب شده است که آنها برای یافتن کار، کسب درآمد، معیشت زندگی و ... به عور و مرور غیرمجاز از مرزهای کشور اقدام کنند.

کاهش نرخ اشتغال در اقتصاد رسمی هم توجیه‌کننده و هم علت افزایش نرخ اشتغال در اقتصاد غیررسمی و قاچاق کالاست. افزایش عرضه نیروی کار و کاهش تقاضا برای نیروی کار در بخش رسمی می‌تواند اشتغال در بخش غیررسمی را افزایش دهد. به دلیل توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی و بالابودن میزان بیکاری تعداد زیادی از نیروهای بیکار به قاچاق کالا روی می‌آورند. متوسط نرخ بیکاری در استان‌های مرزی اردبیل، بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، گلستان، گیلان و

هرمزگان بالاتر از سطح متوسط کشور می‌باشد. البته نرخ بیکاری در روستاهای مرزی از متوسط استان‌های مرزی نیز بالاتر است (مرکز آمار ایران: ۱۳۸۷: ۲۴). کاهش نرخ اشتغال در اقتصاد رسمی هم توجیه‌کننده و هم علت افزایش نرخ اشتغال در اقتصاد غیررسمی و قاچاق کالا از طریق ترددات غیرمجاز است. افزایش عرضه نیروی کار و کاهش تقاضا برای نیروی کار در بخش رسمی می‌تواند اشتغال در بخش غیررسمی را افزایش دهد (شکیبایی، ۱۳۷۸: ۱۶۳). به دلیل جوانبودن جمعیت و فقدان جذب نیروی کار فراوان از سوی فعالیت‌های مولد در کشور بخشی از نیروی کار به‌دلیل مشاغل کاذب خواهندرفت. این امر ناشی از ضعف زیربنای‌های تولیدی، شاخصه‌های پایین توسعه و تولید سرانه محدود می‌باشد به‌طوری‌که حتی درآمدهای محدود قاچاق خردپا نیز برای بسیاری از مردم معنادار و قابل توجه باشد. نرخ بیکاری در کشور نه تنها در یک دهه اخیر به‌طور قابل‌لاحظه‌ای بالابوده بلکه روند افزایشی داشته است. علاوه‌بر آن، مناطق مرزی کشور و به‌ویژه مناطق مرزی جنوبی از نرخ بیکاری بالاتری برخورداربوده و جزو مناطق محروم کشور محسوب می‌شوند. فقدان مشاغل مولد در مناطق مرزی موجب شده که جوانان برای کسب درآمد اندک نیز به عامل و اجیرشده‌گان شبکه‌های قاچاق کالا تبدیل شوند.

وجود فاصله اقتصادی بین دو کشور همسایه

اگر وجود تفاوت زیاد در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات و تسهیلات و بازار کار در دو سوی مرز گردد این امر باعث خواهد شد که اغلب اتباع کشوری که توان اقتصادی ضعیفتری دارند اقدام به تردد به آن سوی مرزهای سیاسی کشور به‌منظور استفاده از بازار کار و همچنین استفاده از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز بنمایند. با توجه به محدودیت‌ها و قوانین که از سوی دو کشور در طول نوار مرزی مشترک اعمال می‌شود این عبور و مرور در مناطق مرزی سبب می‌شود که افراد برای دستیابی به خواسته‌های خود در آن سوی مرز، که بیشتر جنبه اقتصادی دارد، به قاچاق کالا در طول مرز اقدام نمایند.

توسعه‌نیافتنگی منطقه مرزی

توسعه پدیده‌ای چندبعدی است که نتایج اقتصادی آن جلوه بیشتری دارد اما بعد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن اهمیت کمتری نسبت به بعد اقتصادی توسعه ندارد. هنگامی که یک جامعه در مسیر توسعه قرار می‌گیرد بنادرد که به سمت شرایط جدیدی حرکت کند. این شرایط جدید بیش از همه با اهداف اقتصادی تعریف می‌شود (مینایی، ۱۳۸۳: ۲۲۲) توسعه واقعی باید بتواند برای همه افراد جامعه صرف‌نظر از موقعیت استقرار مکانی (مرز یا مرکز) در همه ابعاد شرایط لازم را در جهت پویایی و رشد و تعالی مادی و معنوی آنان فراهم‌سازد. با توجه به این مفهوم از توسعه که تأکید اصلی آن بر توسعه انسانی با محوریت نیازمندی‌های مادی، معنوی و اخلاقی است می‌توان ویژگی‌های زیر را در توسعه مناطق مرزی استنتاج و ارایه نمود:

۱- ابعاد توسعه مناطق مرزی با ابعاد توسعه کشور در هم‌تنیده‌اند. به عبارت دیگر، توسعه مناطق مرزی با توسعه ملی دارای رابطه‌ای متقابل هستند؛

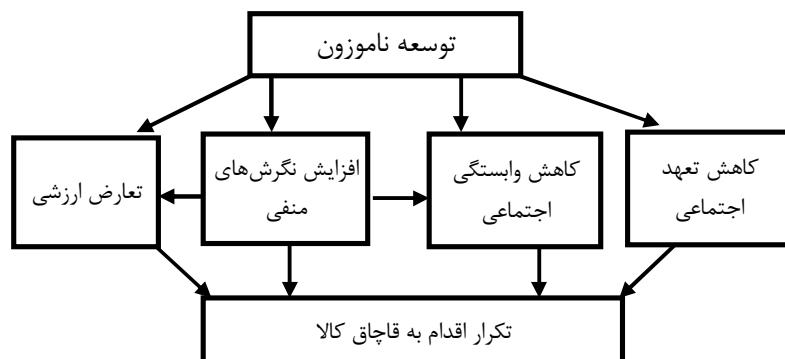
۲- مناطق مرزی محل تلاقی برنامه‌های توسعه داخلی کشور با برنامه‌های توسعه‌های همسایه است. بدین ترتیب تأثیرات متقابل این برنامه‌ها بر یکدیگر می‌توانند منفی (تهدید) و یا مثبت (فرصت) تلقی شوند. این تأثیرات متقابل باید هم‌زمان مدنظر قرار گیرند.

۳- مناطق مرزی علاوه بر تأثیرپذیری از شرایط و ویژگی‌های مربوط به کشور از مسائل و ویژگی‌های خاص مناطق مرزی متأثر است. ویژگی‌هایی مانند دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، تنوع قومیت‌ها، مذهب و خرد و فرهنگ‌ها و کاهش میزان نظارت و کنترل دولت مرکزی بر آنها عواملی هستند که بر فرایند توسعه مناطق مرزی تأثیر می‌گذارند.

۴- با توجه به منابع انسانی، طبیعی و شرایط جغرافیایی و سیاسی مناطق مرزی در فرایند توسعه ملی می‌توان از طریق طرح نظامی (سیستمی) هماهنگ برنامه‌ریزی مبتنی بر منابع محلی را در اولویت قرارداد.

نتیجه این که در رابطه با توسعه مرزی و مسائل مناطق مرزی باید در فرایند طراحی و اجرای توسعه همه‌جانبه مسائل متعددی را درنظر گرفت. از جمله با توجه به شرایط خاص این مناطق ارتباط آنها با مسائل ملی از یکسو و چگونگی توسعه کشورهای مجاور از سوی دیگر (توسعه منطقه‌ای) به تأثیرات متقابل و برقراری تعادل مداوم بین مسائل توسعه و امنیت و دفاع می‌توان اشاره کرد (عندليب، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۰). چنان‌چه از لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی مقایسه‌ای بین مناطق مختلف کشور داشته باشیم اصولاً هرچه از مرکز به سمت حاشیه برویم بر توسعه‌نیافتگی افزوده‌می‌شود.

گزارش توسعه انسانی به تفکیک استان‌های کشور در سال ۸۶ نیز این موضوع را تأیید می‌کند. بر اساس این گزارش، استان سیستان و بلوچستان دارای کمترین شاخص توسعه انسانی در سطح کشور بوده است که پس از آن استان‌های مرزی کردستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی به ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند (تیلا، ۱۳۸۸: ۵). این فقدان توسعه مناطق مرزی با بیشینه ترددات غیرمجاز و قاچاق کالا در کشور مطابقت می‌کند به‌طوری‌که بیشترین تعداد پرونده‌های قاچاق در سال ۱۳۸۶ مربوط به گمرکات استان سیستان و بلوچستان با ۲۵۳۷ پرونده و سهمی معادل ۱۲/۲۲ درصد بوده است. پس از سیستان و بلوچستان، گمرکات استان آذربایجان غربی با ۱۳/۴۰ درصد و خراسان جنوبی با ۱۵/۱۰ درصد رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند (ابراهیم‌زاده آسمین و عباسیان، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بر این اساس، به‌طور کلی می‌توان گفت بین توسعه مناطق مرزی و قاچاق کالا رابطه وجود دارد (شکل ۲).



شکل (۲): رابطه توسعه نامتوازن و توسعه قاچاق کالا

منبع: عبدالحمیدی، ۱۳۸۸: ۱۹۳

عوامل اجتماعی و فرهنگی

وجود پیوندهای زبانی و فرهنگی

چنان‌چه مرزنشینان دو سوی مرز از یک قوم و طایفه بوده و خویشاوندی هم بین آنان وجودداشته باشد بهویژه اگر ازدواج‌های جدید هم بین مرزنشینان دو طرف مرز انجام‌گیرد رفت‌وآمدۀای غیرقانونی شکل‌می‌گیرد (جان‌پور، ۱۳۸۶: ۱۲۴). در کنار این ترددۀای غیرمجاز مرزی حمل کالاهای قاچاق و کسب سود برای تأمین نیازهای دوطرف صورت‌می‌گیرد.

تبییض‌های ناروا

اگر فردی از شرکت در امور کشورش کنارگذارده شود نسبت‌به سرنوشت آن نیز بی‌تفاوت خواهد ماند (اعتماد، ۱۳۷۵: ۹). همچنین، اگر افراد جامعه نسبت‌به رعایت حقوق خود مطمئن باشند نسبت‌به اجرای تکالیف و تعهدات خویش در مقابل جامعه جدی‌خواهند بود در صورتی که اگر حکومت حقوق و آزادی‌های فردی را محترم‌نمایارد افراد جامعه نیز در مقابل خود را به رعایت مقررات اجتماعی موظف‌خواهند دانست و درنتیجه، نظام اجتماعی و نظم و امنیت عمومی مختل می‌شود (حبیب‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۶۰). قاچاق کالا یکی از پیامدهای این تبییض‌های ناروا در سطح جامعه است زیرا فرد هیچ نوع وابستگی و احساس مسئولیت نسبت‌به مسائل ناشی از قاچاق کالا و ترددۀای غیرمجاز در طول مرز احساس نکرده و فقط تأمین نیازها و سود خود را مدنظر قرارداده و به نامنی‌های اقتصادی، سیاسی و... توجهی نمی‌کند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری خواهد داشت که این تبییض‌ها بین مناطق مرکزی کشور و مناطق مرزی واقع شود. از آنجاکه مناطق پیرامونی کشور دارای گسترهای قومیتی، زبانی و گاهی مذهبی با مناطق مرکزی کشور می‌باشند شکل‌گیری این تبییض‌ها باعث دور شدن آنها از نیروهای همگرای مرکزی می‌شود و زمینه قاچاق کالا را بدون در نظر گرفتن مسائل و چالش‌های امنیتی برای کشور فراهم می‌آورد زیرا شهروندان این مناطق خود را جزئی از کشور به حساب نمی‌آورند و احساس مسئولیت در قبال تعهدات اجتماعی و ملی در بین آنها کمرنگ‌می‌شود.

فرهنگ عمومی

دورکیم^۱ در کتاب خودکشی اظهار می‌کند که مردم در نتیجه شرایط اجتماعی و نه شرایط فردی دست به خودکشی می‌زنند. او یکی از شرایط اجتماعی را که منجر به خودکشی می‌گردد بی‌亨جاری می‌نامد. بی‌亨جاری به وضعیت آشته‌ای در جامعه اطلاق می‌شود که هنجارهای اجتماعی از بین رفته و یا در تضاد با یکدیگر قرار گرفته باشند. در چنین شرایطی همبستگی و وابستگی فرد و جامعه از بین می‌رود و ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، قدرت و نفوذ خود را در جهت حمایت از افراد جامعه از دست می‌دهند (قنادان و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۰۵). در این حالت است که افراد جامعه دیگر خود را ملزم به رعایت ارزش‌ها و هنجارها ندانسته و احساس تعلق خود به آنها را از دست می‌دهند و به ارزش‌ها و هنجارهای جدید، که به نظر می‌رسد تأمین‌کننده نیازهای آنهاست، روی می‌آورند ولی به دلیل نهادینه‌نشود آنها یک نوع خلع هنجاری در عموم جامعه به وجود می‌آید که آن را بی‌هنجاری می‌گوییم. به عبارت دیگر، بی‌هنجاری اجتماعی به حالتی اطلاق می‌گردد که در آن ارزش‌ها و هنجارهای سنتی قدرت کنترل اجتماعی خود را از دست داده و ارزش‌ها و هنجارهای جدید نیز هنوز فراگیر و جافتاده نشده‌اند. لذا، افراد در یک حالت بلا تکلیفی به سربرده و به شیوه‌های فردی و غیرمتداول (رفتار انحرافی) رفتار می‌نمایند. افراد هنگامی با وضعیت بی‌هنجاری روبرو می‌شوند که به نظام اخلاقی مناسبی پایبند نباشند و در چنین شرایطی تشخیص نمی‌دهند که چه رفتاری مناسب و چه رفتاری نامناسب است (ریترز، ۱۳۷۳: ۷۹). بر این اساس، می‌توان گفت تازمانی که ناهنجاری در نظر کنشکران اجتماعی امری زشت و غیرمنطقی جلوه‌کند میزان ارتکاب انحراف اجتماعی و خروج از هنجارهای اجتماعی کاهش خواهد یافت. انعکاس کجروی‌های اجتماعی در رسانه‌ها در کاهش نفرت از انحرافات و عادی‌شدن نابهنه‌نjarی در جامعه تأثیر به سزایی دارد زیرا فرد ضمن اطلاع از نقض هنجارها توسط رسانه‌ها در می‌یابد که هنجارهای اجتماعی، که به نظر وی غیرقابل تخطی بودند، قابل شکستن و تحلف هستند (شعبانلو، ۱۳۸۶: ۷۸). در این راستا، اگر مرزنشینیان دارای فرهنگ پایینی بوده و الگوهای رفتاری رایج در جامعه آنها الگوهای نابهنه‌نjar و خلاف قانون و عرف جامعه عمومی آن کشور باشد بدیهی است در امنیت محل

سکونت مرزی آنها قانونشکنی و اختلال رواج پیدا خواهد نمود و جرم‌هایی مانند عبور و مرور غیرمجاز از مرزها، قاچاق کالا و... توسعه پیدا خواهد کرد.

در طول مرزهای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه قومیت‌های مختلف با عقاید و افکار خاصی زندگی می‌کنند. این عقاید و افکار که در طول زمان و از طریق روابط بین دولت مرکزی با آنها یا روابط بین این قومیت‌ها با کشورهای همسایه و... شکل‌گرفته است سبب شکل‌دهی رفتار و دیدگاه‌های خاصی در بین آنها شده است که به صورت‌های مختلف بر عملکرد و دیدگاه آنها نسبت به قاچاق کالا، قاچاق مواد مخدر و... در طول مرزهای ایران مؤثر می‌باشد.

نیاز مردم دو سوی مرز به کالاهای قاچاق

عامل دیگری که امر قاچاق کالا را در مناطق مرزی توسعه‌می‌دهد نیاز شدید مردم دو سوی مرز به کالاهای وارد و صادر است که از طریق قاچاق به دلیل کمبود، کیفیت پایین و ممنوع بودن آنها در داخل کشور و... صورت می‌گیرد. این امر سبب می‌شود افراد این کالاهای را به هر قیمتی خریداری کنند. مثلاً برخی از کالاهای (مواد سوختی و آرد...)، که در زاهدان ارزان ولی در کشور همچوار گران است، باعث می‌شود افرادی به انگیزه قاچاق، آن کالاهای را با قیمت بالاتر از بازار خریداری و وارد کشور مقابل نمایند. این افراد متقابلاً از آن طرف کالاهای موردنیاز را به صورت قاچاق وارد کشور می‌نمایند (ابراهیم‌زاده آسمین و عباسیان، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

افزایش فرهنگ مصرف‌گرایی

فرهنگ عمومی میل به استفاده از کالاهای خارجی، به دلیل مرغوبیت و در بعضی موارد تنزل ارزش کالای خارجی نسبت به نوع مشابه تولید داخلی، دارد. هریک از مرزهای ایران دارای قلمرو جغرافیایی معینی هستند که این قلمرو مشخص باعث پرورش روحیات و باورهای فرهنگی و نمادهای خاصی می‌گردد. این ویژگی‌ها به صورت متمایز و متفاوت این اقوام را از اقوام ساکن در واحدهای جغرافیایی دیگر متمایز می‌کند (قنبیری، ۱۳۸۳: ۵۴). در مقطع زمانی پس از جنگ تاکنون نیز کمبود برخی از کالاهای در بازار داخل به دلیل محدودیت ارز تخصصی از طریق مراجع رسمی، ممنوعیت ورود پارهای از کالاهای از مبادی قانونی و در کنار آن سود فراوان حاصل از

تجارت غیرقانونی و قاچاق کالا باز هم دست‌اندرکاران قاچاق را به توسعه و تداوم فعالیت‌های شان ترغیب کرده است.

عوامل سیاسی

تعدد همسایگان

همان طور که پیش‌تر نیز گفته شد جمهوری اسلامی ایران به همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، رکورددار تعداد همسایه در جهان است. ایران با ۱۵ کشور مستقل و ۲۴ دولت هم‌جوار است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۳). این تعدد همسایگان زمانی اهمیت بیشتری خواهد داشت که بدانیم مرزها دارای دو طرف هستند و برای کنترل و مدیریت آنها به همکاری متقابل بین دو کشور نیاز است. در این راستا، تلاش‌های یک‌طرفه صورت گرفته از طرف یک کشور هرچند در سطح بالایی باشد نمی‌تواند زمینه مدیریت و کنترل بهینه مرزها را فراهم آورد. بر این اساس، وجود کشورهای متعدد در همسایگی ایران نیازمند تلاش‌های مضاعف برای جلب همکاری آنها برای مدیریت و کنترل مرزها بین دو کشور می‌باشد که این امر خود نیازمند وقت و هزینه‌های سنگینی از یک‌سو و فقدان توانایی کشور ایران برای هماهنگ کردن خود و کشورهای همسایه در قالب مدیریت مشترک دوطرفه مرز به دلایل مختلف می‌باشد به‌طوری‌که تعدد همسایگان تلاش‌ها را برای شکل‌دادن به همکاری‌های مشترک مرزی با همسایگان کم کرده است و سبب کنترل و مدیریت یک‌طرفه مرزها شده است که این خود فقدان توانایی در کنترل دقیق مرزها و در پی آن قاچاق کالا شده است.

میزان اعمال حاکمیت کشور همسایه در قلمرو خود

باتوجه به ویژگی خاص مرز ضرورت دارد دولت‌های هریک از کشورهای همسایه اعمال حاکمیت قوی در منطقه سرزمینی خود داشته باشند تا مرز از دو سوی آن کنترل شود. بنابراین، اگر یکی از کشورهای همسایه به علل مختلف از جمله ناارامی‌های داخلی، مشکلات اقتصادی، فساد اداری و مالی و یا وجود حکومت‌های ملوک‌الطوایفی (غیر منسجم) نتواند در سرتاسر مرزهای خود حاکمیت قوی اعمال نماید؛ کشور همسایه نیز نمی‌تواند به نتیجه مطلوبی در جلوگیری از ترددات غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا برسد (جان‌پور، ۱۳۸۶). متأسفانه این موضوع در اغلب کشورهای همسایه ایران

صدق می‌کند. به عنوان مثال، کشور افغانستان بهدلیل فقدان یک دولت قوی نمی‌تواند بر سرزمین خود حاکمیت قوی داشته باشد که این امر باعث تردد های متعدد غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا به سوی ایران و بر عکس شده است. کشور پاکستان، عراق و کشورهای جنوبی خلیج فارس نیز دارای توانایی های لازم برای حاکمیت قوی بر سرزمین های خود نمی‌باشند که این امر سبب گسترش تردد های غیرمجاز مرزی و قاچاق کالا در طول مرزهای ایران شده است.

حضور و اشغال نیروهای بیگانه در کشورهای همسایه ایران

حضور نیروهای بیگانه به ویژه آمریکایی و انگلیسی در عراق، افغانستان و حوزه خلیج فارس در نظم و امنیت مرزها و مناطق مرزی ایران چالش های جدی ایجاد کرده است به ویژه نابسامانی های موجود در کشور عراق و افغانستان موجب گسترش فعالیت باندهای جنایت کارانه و تروریستی، قاچاق اسلحه، بیماری های واگیر و مشکلات زیست محیطی فراوانی گردیده است. حضور این نیروهای بیگانه در کشورهای همسایه در کنار دشمنی دیرینه ای که این کشورها با جمهوری اسلامی ایران دارند به صورت های مختلف بر کنترل مرزهای ایران با کشورهای مذکور تأثیر گذاشته است تا جایی که خود این کشورها زمینه قاچاق کالا، خرابکاری و... به داخل مرزهای ایران را بدون در نظر گرفتن رضایت کشورهای همسایه مدیریت و کنترل می‌کنند.

وضعیت روابط سیاسی با کشورهای همسایه

مهم ترین عامل در کنترل و مدیریت مرزها را می‌توان در روابط سیاسی دو کشور همسایه مشاهده نمود. بدیهی است که اگر دو کشور همسایه دارای روابط سیاسی حسنہ باشند هرگونه همکاری را در تأمین امنیت، کنترل و مدیریت مرزهای مشترک به عمل خواهند آورد و اگر بین دو کشور روابط حسنہ ای برقرار نباشد همکاری بین دو کشور برای کنترل و مدیریت مرزهای مشترک نیز شکل نخواهد گرفت. بر این اساس یکی از عواملی که در قاچاق کالا بین کشور ایران با همسایگان مؤثر می‌باشد سطح و وضعیت روابط سیاسی ایران با کشورهای همسایه اش است.

قوانين و مقررات بازرگانی و گمرکی

یکی از عواملی که به صورت مختلف در شکل‌گیری و توسعه قاچاق کالا و ترددات غیرمجاز مرازهای کشور مؤثر بوده است فقدان قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی به روزشده، شفاف، قاطع و سختگیرانه می‌باشد. براین اساس، وجود چنین قوانین و مقررات بازرگانی که از شفافیت، قاطعیت و دقت لازم برخودار نمی‌باشد اجازه تغییر، امکان رفع ابهامات و درنتیجه توقیف جریان عادی واردات و صادرات را فراهم آورده و به این ترتیب در مقایسه با هزینه‌هایی که انتخاب مسیرهای قانونی در مقایسه با قاچاق کالا دارد، در یک ارزیابی همه‌جانبه موجبات روی‌آوردن واردکننده یا صادرکننده به قاچاق کالا و مراجعه به عوامل قاچاق از طریق ترددات غیرمجاز را فراهم می‌سازد. بر حسب مورد در زمینه قوانین و مقررات بازرگانی می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

- در رابطه با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها چنان‌چه به‌طور منطقی و فارغ از تقاضاهای موجود، (جز در مورد ممنوعیت‌های قانونی و شرعی) و مقایسه تولید داخلی از لحاظ کمیت و کیفیت و بدون توجه به حقوق مصرف‌کنندگان تنظیم‌نشده باشند از موجبات جدی و اصلی تشديد قاچاق است.

- وضع شرایط ورود یا صدور اگر با توجه به مواردی که تقریباً صدرصد حساب‌شده و مبتنی بر کارشناسی‌های دقیق نبوده باشد و صرفاً از باب عادت و سنت گذشته انتخاب و یا در بعضی موارد به عنوان محمل و مفری برای قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی عوامل دولتی در سطوح پایین، که بیشترین تماس و اختیار مجوزها را در اختیار دارند، انتخاب شده باشد دارای آثار به مراتب بدتر از مواردی است که به‌طور قاطع ممنوعیت‌ها را تشکیل می‌دهد و آثار سوء چندگانه‌ای است که هم قاچاق و هم ارتشاء را تشیدیمی‌کند.

- مقررات و قوانین بازرگانی باید در وضع سود بازرگانی، حقوق گمرکی و عوارض رعایت اعتدال و حفظ حقوق مصرف‌کنندگان را هم، همان‌طور که حقوق تولیدکنندگان باید به‌طور منطقی رعایت شود، بنماید. یعنی صرف جایگزینی و توصیه قانون برنامه سوم به حذف تدریجی موانع غیرتعریفهای به تعریفهای، به هر نوع پیشنهاد وزارت‌خانه‌های تولیدی و صنعتی، که در تعیین تعریفهای فارغ از ارایه

جزییات محاسبات و استدلال و استناد قابل قبول به عمل می‌آید، اقدام به افزایش نکند تا موجب تشدید قاچاق نشود.

موانعی که حذف آنها در واردات و صادرات از لحاظ مصالح عمومی، اقتصادی و ارزی کشور تأثیر چندانی ندارد اگر با قاطعیت حذف نشود از موجبات قاچاق است (بنائی، ۱۳۸۲: ۱۷۲-۱۷۱). بنابر آنچه که در این بخش آمده است ملاحظه می‌شود که تأثیر قوانین و مقررات بازار گانی در قاچاق کالا قطعی و اجتناب ناپذیر است.

داده‌های پرسش‌نامه‌ای

داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌های توزیع شده بدین صورت می‌باشد که بیشتر افراد شاخص‌های مؤثر در قاچاق کالا را مورد تأیید قرار داده‌اند. فراوانی پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌نامه‌های توزیع شده به صورت جدول شماره (۱) می‌باشد:

جدول (۱): فراوانی داده‌ها

ردیف	شاخص‌های مؤثر در قاچاق کالا					
	خیلی زیاد	خیلی کم	بی نظرم	زیاد	خیلی کم	زیاد
عوامل (شاخص‌های) جغرافیایی						
۱	۷	۶	۳۱	۹	جغرافیای طبیعی منطقه مرزی	
۲	۱۴	۱۰	۲۲	۶	طول مرزهای ایران	
۳	۱۰	۱۶	۲۱	۵	الگوی ترکیبی ملت ایران از منظر جغرافیایی	
۴	۱۵	۲۰	۱۴	۱	موقعیت محوری و ترانزیتی ایران	
عوامل اقتصادی						
۵	۱۴	۷	۲۳	۹	نابرابری‌های فضایی	
۶	۸	۸	۲۶	۱۱	فقر و تنگdestی	
۷	۱۲	۶	۲۴	۱۱	بیکاری	
۸	۷	۱۴	۲۲	۷	وجود فاصله اقتصادی بین دو کشور همسایه	
۹	۸	۴	۳۲	۹	توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی	
عوامل اجتماعی و فرهنگی						
۱۰	۱۴	۵	۲۴	۵	وجود پیوندهای مذهبی و فرهنگی با آن سوی مرز	
۱۱	۸	۸	۲۶	۱۱	تبییض‌های ناروا	
۱۲	۶	۸	۲۷	۱۰	فرهنگ عمومی	
۱۳	۷	۴	۲۰	۱۹	افزایش فرهنگ مصرف‌گرایی	
۱۴	۸	۸	۲۱	۱۴	نیاز مردم دو سوی مرز به کالاهای قاچاق	

ردیف	شاخص‌های مؤثر در قاچاق کالا											
خیلی زیاد	خیلی کم	کم	بی نظرم	زیاد	خیلی زیاد							
عوامل سیاسی												
۱۵							تعداد همسایگان					
۱۵	۱	۷	۶	۲۴	۱۵		میزان اعمال حاکمیت کشور همسایه در قلمرو خود					
۱۶	۱	۱	۸	۲۳	۲۰		حضور و اشغال نیروهای بیگانه در کشورهای همسایه					
۱۷	۱	۴	۶	۲۷	۱۵		وضعیت روابط سیاسی با کشورهای همسایه					
۱۸							قوانين و مقررات بازرگانی و گمرکی					
۱۹	۱	۳	۶	۲۸	۱۶							

نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در مرزهای ایران با توضیح ذیل مشخص می‌شود.

امروزه اقتصاد غیررسمی عارضه‌ای است که کشورهای مختلف جهان با آن مواجه‌هستند. بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و حتی قوانین حاکم نشان‌می‌دهد که جوامع مختلف در طول زمان با به‌کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای مناسب سعی در حذف یا کاهش این نوع فعالیتها و هدایت آن به سمت فعالیت‌های رسمی داشته‌اند. این در حالی است که توجه اقتصاددانان به اقتصاد غیررسمی طی چند دهه گذشته بهدلیل ناکارآمدی نظریه‌های اقتصاد رسمی در توجیه بحران‌ها و نوسانات اقتصادی بیشتر شده‌است به‌طوری‌که دامنه وسیعی از تعاریف و اصلاحات دیگر نظیر اقتصاد پنهان، اقتصاد سرمایه‌ای، اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیربازاری و غیره نیز در این مقوله مطرح شده‌است. روند رو به افزایش شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی و قاچاق کالا در قرن حاضر در کشورهای مختلف جهان به‌ویژه کشورهای جهان سوم و در حال توسعه نمود بیشتری یافته و سبب بازترشدن بحث جدیدی تحت عنوان «مدیریت بهینه مرزها» شده‌است که حکومت‌ها از آن به عنوان راهبردی برای به حداقل رساندن فرصت‌های فراسوی مرز و کاهش چالش‌ها و نامنی‌های فراسوی مرز و همچنین کنترل و کاهش قاچاق کالا بهره‌مند. در این بین کشور جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. پدیده قاچاق کالا در جمهوری اسلامی ایران نیز توسعه قابل توجهی

یافته‌است؛ پدیده‌ای که صنایع کشور را با چالشی جدی روبرو ساخته و مانع رشد و توسعه تولیدات داخلی گردیده است.

گرچه از رقم دقیق حجم معاملات قاچاق، بهدلیل ماهیت مخفی‌گری و غیرقانونی آن اطلاع دقیقی در دست نیست اما حدس‌ها و گمانه‌زنی‌ها دامنه آن را بین ۷ تا ۸ میلیارد دلار در سال برآورد کرده است. بدیهی است این حجم پنهانی عظیم از تجارت خارجی ایران حامل آثار سوء‌اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت و اجازه‌داد که ارکان نظام عقب‌مانده و نظام تولیدی کشور بیشتر مورد هجمه واردات قاچاق قرار گیرد و یا یارانه‌های مرتبط با سبد مصرفی از طریق خروج غیرقانونی اقلام عمده‌ای مانند بنزین و آرد نصیب قاچاقچیان شود.

متأسفانه به‌کارگیری شیوه‌های مبارزه با معلوم که همواره با افزایش هزینه‌های امنیتی و کنترلی همراه است نه تنها نتایج مطلوبی را در سرکوب عوامل عمدی و اصلی قاچاق به‌دست‌نمی‌دهد بلکه آنان را هوشیارتر، متشکل‌تر و سازمان‌یافته‌تر می‌سازد. البته طبیعی است که نیروهای امنیتی بر حسب تکالیف قانونی خویش با هر نوع اقدام غیرقانونی مقابله کنند و به‌ویژه در مورد برخورد با قاچاقچیان، که مفسدان اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شوند، به بهترین تجهیزات و تکنیک‌ها مجهز گردند ولی باید توجه داشت که طرف مقابل نیز گرچه در این جدال آشکار و نهان تلفات مالی و جانی را متحمل می‌شود اما همواره در اندیشه بازسازی و تقویت و سازماندهی خویش است. در این راستا، برای دستیابی به نتیجه بهتر باید حکومت جمهوری اسلامی ایران به سمت دستیابی به یک راهبرد مدیریت بهینه مرزی گام بردارد تا از طریق این راهبرد بتواند مرزهای خود را به صورت مؤثری مدیریت کند و از فرصت‌های فراسوی مرزها، که کشورها در دوره حاضر وابستگی بیشتری به آنها پیدا کرده‌اند، نهایت بهره را برد و از سوی دیگر ناامنی‌های ناشی از آن سوی مرز را تا حد امکان کاهش دهد. در این راستا، برای این‌که بتوان پدیده قاچاق کالا را تحت کنترل درآورد و تا حد امکان آن را به صورت بهینه‌ای مدیریت کرد نیازمند توسعه شناخت و درک ریشه‌ای عوامل و شاخص‌های مؤثر بر این پدیده می‌باشیم. هر چند در این زمینه مطالعات متعددی صورت گرفته است اما با نگاهی به این مطالعات مشخص می‌شود که بیشتر آنها به صورت سطحی پدیده قاچاق کالا را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و کمتر مسائل ریشه‌ای در شکل‌گیری قاچاق کالا در

مرزهای کشور را موردنرسی قرارداده‌اند. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است شاخص‌های مؤثر در پدیده قاچاق کالا تبیین شود تا از طریق این شناخت بتوان زمینه ارایه راهبرد برای مدیریت مرزها به منظور کاهش و تحت کنترل در آوردن قاچاق کالا فراهم شود. در این بین ۱۸ عامل به عنوان عوامل مؤثر بر قاچاق کالا، که مدیریت مرزها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، استخراج شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- بیکاری بالا در مناطق مرزی که ناشی از نبود رشد اقتصادی این مناطق به دلیل فقدان سرمایه‌گذاری لازم در آن و همچنین خشونت‌های طبیعی و ... می‌باشد؛
- محرومیت و توسعه‌نیافتگی شدید و نامتعادل؛
- نابرابری اقتصادی- فرهنگی این مناطق نسبت به مناطق مرکزی؛
- قرارگیری گروه‌های قومی در مناطق مرزی و حاشیه‌ای کشور که دارای دنباله‌هایی در آن سوی مرز می‌باشند؛
- فقدان توانایی کشورهای همسایه به دلایل مختلف نظیر اشغال، مسائل اقتصادی، قومی و قبیله‌ای بودن و ... در کنترل کارآمد مرزهای خود؛ و

از سوی دیگر برای درک رابطه بین ترددات مرزی با قاچاق کالا در مرزهای کشور عوامل مؤثر در قاچاق کالا نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و ۲۶ عامل مؤثر در امر قاچاق کالا برای آن بیان شد. در این بین عواملی چون: بیکاری، فقر و توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی، گسترش گروه‌های قومیتی ایران در نوار مرزی و دارابودن پیوندهایی با آن سوی مرزها، فقدان قدرت کشورهای همسایه در کنترل و نظارت بر مرزهای خود و ... از جمله این عوامل می‌باشند. همچنین، برای تأکید بر درستی و میزان تأثیرات این شاخص‌ها بر قاچاق کالا داده‌های پرسش‌نامه‌ای با محوریت قاچاق کالا به عنوان متغیر وابسته و ۲۰ متغیر مستقل جمع‌آوری شد. درخصوص تجزیه و تحلیل تأثیرات این مستقل بر وابسته از آزمون T-Test استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول(۲) One-Sample Test :

	Test Value = 0					
	T	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
Q1	28.774	53	.000	3.741	3.48	4.00
Q2	23.043	52	.000	3.340	3.05	3.63
Q3	24.211	53	.000	3.315	3.04	3.59
Q4	22.859	52	.000	2.906	2.65	3.16
Q5	22.904	53	.000	3.463	3.16	3.77
Q6	26.654	53	.000	3.704	3.42	3.98
Q7	23.832	53	.000	3.593	3.29	3.89
Q8	26.079	50	.000	3.529	3.26	3.80
Q9	28.197	53	.000	3.741	3.47	4.01
Q10	18.735	53	.000	3.148	2.81	3.49
Q11	26.654	53	.000	3.704	3.42	3.98
Q12	24.724	53	.000	3.648	3.35	3.94
Q13	22.060	53	.000	3.796	3.45	4.14
Q14	23.688	52	.000	3.698	3.38	4.01
Q15	26.813	52	.000	3.849	3.56	4.14
Q16	30.915	53	.000	4.074	3.81	4.34
Q17	30.695	52	.000	3.962	3.70	4.22
Q18	32.791	53	.000	4.019	3.77	4.26
Q19	27.929	53	.000	3.722	3.45	3.99

عوامل جغرافیایی

= جغرافیای طبیعی منطقه مرزی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= طول مرزهای ایران بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= الگوی ترکیبی ملت ایران از منظر جغرافیایی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= موقعیت محوری و ترانزیتی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

عوامل اقتصادی

= نابرابری‌های فضایی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= فقر و تنگدستی ساکنان مرزی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= بیکاری بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= وجود فاصله اقتصادی بین دو کشور همسایه بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

عوامل اجتماعی و فرهنگی

= وجود پیوندهای مذهبی و فرهنگی با آن سوی مرز بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= تبعیض‌های ناروا بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= فرهنگ عمومی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= افزایش فرهنگ مصرف‌گرایی بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= نیاز مردم دو سوی مرز به کالای قاچاق بر قاچاق کالا مؤثر است؛

عوامل سیاسی

= تعدد همسایگان بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= میزان اعمال حاکمیت کشور همسایه در قلمرو خود بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= حضور و اشغال نیروهای بیگانه در کشور همسایه بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= وضعیت روابط سیاسی با کشورهای همسایه بر قاچاق کالا مؤثر است؛

= قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی بر قاچاق کالا مؤثر است.

نتایج به دست آمده از آزمون بالا بیانگر آن است که به عنوان شاخص‌های مؤثر بر پدیده قاچاق کالا از سوی پژوهشگر در نظر گرفته شده است مورد تأیید صاحب‌نظران، استادان و پژوهشگران این حوزه می‌باشد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش باید گفت روند تحولات در عرصه جهانی در قرن حاضر تغییرات عمده‌ای را به وجود آورده است. از جمله این تغییرات گسترش پدیده

جهانی شدن اقتصاد می‌باشد که سبب شده است سطح روابط اقتصادی در قرن حاضر به‌طور قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته و بازیگران عرصه اقتصادی نیز بیشتر و متفاوت‌تر شوند و نیز زمینه حضور افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف را در عرصه اقتصادی فراهم آورد. از سوی دیگر، روند جهانی شدن موجب توسعه روابط بین کشورها شده و نفوذپذیری مرزهای سیاسی در برابر جریان‌های اقتصادی بسیار افزایش یافته است. همچنین، در هم‌تنیدگی و واستگی متقابل در گستره جهانی به حدی رسیده که امکان چندانی برای اتخاذ سیاست انزوا و خودکفایی اقتصادی وجود ندارد و تصمیم به برکناری از شبکه‌های اقتصادی جهان‌گستر بسیار دشوار، پرهزینه و حتی ناممکن شده است. این امر به صورت‌های مختلف بر مرزهای سیاسی بین کشورها و مناطق مرزی تأثیرگذاشته و زمینه توسعه مبادلات تجاری بین کشورها، چه در قالب مبادلات قانونی و چه در قالب مبادلات غیرقانونی بین کشورها، را فراهم آورده و سبب شده است که ترددات بین کشورها به‌حد قابل ملاحظه‌ای برای استفاده از این شرایط جدید به‌دست آمده برسد و بهره‌وری از روند جهانی شدن افزایش پیدا کند. بر این اساس، کشورها با توجه‌به این شرایط جدید در تکاپوی کنترل و کاهش پدیده قاچاق کالا به کشور خود از طریق مدیریت مرزهای خود هستند. همچنین، تأثیرات مستقیم و گستردگی مرزهای هر کشور بر استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژی، دیپلماسی و نیروی نظامی آن کشور اهمیت ویژه مرزهای آن کشور را آشکار می‌سازد. بدین لحاظ توجه به وضعیت مرزها همواره از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار بوده و دولتها برای کنترل مرزهای خود ناچار به سرمایه‌گذاری‌های مختلف می‌باشند که از این طریق بتوانند مرزهای خود را مدیریت کنند.

در این بین کشور جمهوری اسلامی ایران با دارابودن مرزهای طولانی و تعدد همسایگان و شرایط و موقعیت خاص جغرافیایی و ژئوپلیتیکی که این کشور را در محور ترانزیتی، توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی، بیکاری بالا در مناطق مرزی، همسایگان فاقد توانایی در اداره کشور و... شرایط خاصی را در اداره و مدیریت مرزها برای جلوگیری از قاچاق کالا فراهم کرده است. زیرا قاچاق در سال‌های اخیر خود را به صورت یک معضل دارای ابعاد مختلف بر حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور تحمیل کرده است. قاچاق کالا پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که مطالعه آن به

پژوهش‌های جدی بین‌رشته‌ای نیازدارد و هرگونه برخورد یک‌بعدی می‌تواند بر پیچیدگی آن بیفزاید. بر این اساس، برای این‌که بتوان قاچاق کالا و اثرات مخرب آن بر کشور را تاحد امکان کاهش‌داد باید این پدیده را از زوایای مختلف و به صورت ریشه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرارداد. پدیده قاچاق کالا پدیده‌ای تک‌علتی نیست و محصول و پیامد مجموعه عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. بنابراین، کاهش و کنترل آن برنامه‌ای همه‌جانبه را می‌طلبد. به طور کلی می‌توان گفت مسئله قاچاق کالا در طول مرزهای جمهوری اسلامی ایران اجتناب ناپذیر بوده ولی از طریق برطرف کردن و کنترل شاخص‌های مؤثر بر قاچاق کالا و همچنین ارایه راهبرد مدیریت دوچانبه مرزها قابل کنترل است.

پیشنهادهای راهبردی

راهبردهای مدیریتی ارایه شده در این بخش از عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در طول مرزهای ایران گرفته شده‌است. این راهبردها عبارتند از:

- ایجاد شناخت جغرافیای طبیعی منطقه مرزی در نیروهای مرزی؛
- مکانیزه کردن و استفاده از تجهیزات جدید کنترلی به منظور جبران کمبود نیروهای مرزی؛
- محول کردن نقش‌آفرینی و بازیگری فعال در مدیریت مرزها به ساکنان مرزی؛
- حرکت به سمت همکاری‌های بین‌المللی برای کاهش ترانزیت قاچاق کالا از مسیر ایران؛
- کاهش نابرابری‌های فضایی به ویژه بین مناطق مرکزی و مرزی کشور؛
- بالابردن سطح زندگی ساکنان مرزی؛
- کاهش بیکاری در مناطق مرزی؛
- کاهش تعییض در دسترسی به امکانات در مناطق مرکزی و مرزی؛
- تعامل با کشور همسایه به منظور کاهش هزینه‌ها و مدیریت بهتر مرزها؛

- توسعه قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی کشور.

قدردانی

مقاله حاضر از طرح تحقیقاتی با عنوان «بررسی ترددات غیرمجاز مرزی و ارتباط آن با قاچاق کالا» استخراج شده است. لذا نگارندگان بر خود لازم می دانند از معاونت پژوهشی و آمار و اطلاعات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست جمهوری بهدلیل مساعدت ها و حمایت مالی آنها قدردانی به عمل آورند.

منابع

- ابراهیم‌زاده‌آسمین، حسین؛ عباسیان، مجتبی(۱۳۹۰)، بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای رفع آن، دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال هفتم، شماره ۳۱.
- احمدی، عباس(۱۳۸۳)، پروانه گذر مرزی در مرز ایران و ترکمنستان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- اعتماد، سلطان‌محمد(۱۳۷۵)، امنیت و ثبات اجتماعی در برنامه‌های آمایش سرزمین، ایجاد قطب‌های جدید اقتصادی و سیاسی جابه‌جایی جمعیت، مجموعه مقالات ارایه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، ج ۲، ناشر وزارت کشور.
- بشیری، حسین(۱۳۷۷)، بررسی جغرافیایی روستاهای مرزی استان اردبیل به منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر مسائل سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- بنائی، رضا(۱۳۸۲)، هزار سؤال گمرکی و بازرگانی و پاسخ آن، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- تیلا، محمود(۱۳۸۸)، سطح نابرابری توسعه استان‌های مرزی کشور، فصلنامه شرتو، دوشنبه ۵ مرداد ۱۳۸۸.
- جانپور، محسن(۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل جایگاه مذهب و فرهنگ در اتحاد و همبستگی ایرانیان، مجموعه مقالات همایش اتحاد ملی راهبردها و سیاست‌ها، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- چلبی، مسعود(۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- حافظنیا، محمدرضا(۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئولوژیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر(۱۳۷۵)، عوامل و موانع حقوقی امنیت و نظم اجتماعی در ایران، مجموعه مقالات ارایه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، ج ۲، ناشر وزارت کشور.
- درایسل، آلسیر؛ اچ.بلیک، جرالد(۱۳۷۴)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۳۹)، لغتنامه دهخدا ذیل واژه قاچاق، انتشارات بی‌نا.
- ریترز، جورج(۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه احمد رضا غروی‌زاده، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- سرور، رحیم(۱۳۸۴)، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، تهران: انتشارات سمت.
- شعبانلو، سعید(۱۳۸۶)، تأثیر برنامه‌های رسانه‌ای (داخلی و خارجی) بر امنیت مرزهای استان آذربایجان‌غربی، مجموعه مقالات همایش مرز؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، ج ۲، ارومیه: انتشارات ادبیان.

- شکیبایی، علیرضا؛ احمدی، علی‌محمد (۱۳۷۸)، قاچاق کالا علل، آثار و شاخص‌های اندازه‌گیری آن، مجموعه مقالات سومین همایش ملی بررسی پدیده قاچاق کالا و راههای پیشگیری از آن، اداره کل مبارزه با قاچاق کالا ناجا، پژوهشکده اقتصاد مدرس.
- عبدالحمیدی، امیر (۱۳۸۸)، مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق کالا در ایران، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، سال دوم.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- فرهنگ‌آذر، میرجعفر (۱۳۸۶)، صیانت از مرزهای کشور جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اقتصادی و سیاسی، مجموعه مقالات همایش مرز؛ جالش‌ها و فرستاده، ج ۲. ارومیه: انتشارات ادبیان.
- فیروزجایی، مختار (۱۳۸۴)، قاچاق کالا و ارز، نشر قانون.
- قنادان، منصور و دیگران (۱۳۸۰)، مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات آواز نور.
- قربی، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، زمینه‌های بروز بحران‌های قومی در ایران با تأکید بر نقش جغرافیا در آن، جغرافیای نظامی و امنیتی، سال دوم، شماره ۱.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- کلهر، رضا و دیگران (۱۳۸۷)، تأثیر اقدامات بدوکی‌ها در سیستان و بلوچستان بر امنیت مناطق مرزی ایران و پاکستان، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، تابستان، شماره ۲.
- مجتبهدزاده، پیروز (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، سالنامه آماری.
- معین، محمد (۱۳۸۳)، فرهنگ فارسی معین ذیل واژه قاچاق، تهران: انتشارات بین‌نا.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- یاسوری، مجید (۱۳۸۴)، سیاست‌گذاری منطقه‌ای و چگونگی نابرابری‌ها در کشور، فصلنامه سیاسی اقتصادی، شماره ۲۱۲-۲۱۱.
- KGH Border Services, (2012). Border Management [on lien]. Available from: http://admin.kghcustoms.com/upload/sites/1/files/bs_pdfs/Border%20Management%20vs%20Border%20Control1.0.PDF.
- Walker. Lynn. A (2011). Boundary management consulting [on lien]. Available from: <http://www.boundarymanagement.com/5%20Reasons.htm>.

